میکرو فیلم تهیه شد

وقف مرحوم
استاد زین الدین جعفرزاهدی
به کتابخانه آستان قدس رضوی

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب رموز واجبات (رساله در —)

مؤلف متن محمّد جعفر استرآبادی محشی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر .... نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۴

جزء کتب فقه زبان فارسی عدد اوراق ۷

طول ۲۱ عرض ۱۵ شماره عمومی ۲۵۷۵۰

وقفی / خریداری .... تاریخ .... وقف / خریداری

ملاحظات ....

اندازه نوشته ها: ۸/۵×۱۴/۵

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله علی نواله والصلاة والسلام علی رسوله وآله اما بعد پس میگوید مستهدی من الله
الهادی محمد جعفر استرابادی که این رساله ایست در بیان چیزهائی که اشاره‌اند بمقدمات
نماز و واجبات و خللی واقع در آن و واجبات روزه و زکواه اشعار مقدمات نماز مستفاد میشود
از قول طاق و یسمار زیرا که طاء اشاره است بطهارت از حدث که آن وضو و غسل است
خواه غسل جنابت باشد و خواه غسل مس میت باشد و خواه غسل حیض و نفاس و استحاضه
و هم چنین تیمم که بدل اینهاست و طهارت از خبث یعنی پاک بودن بدن و لباس از نجاسات
و کاف و لام الف اشاره است باسلام با شرطهائی که بدل عقل و بلوغ بقدر امکان و توحید و عدل
و نبوت و امامت و معاد اعتقاد کند چنانکه بیان خواهد آمد و قاف اشاره است بقبله که لازم است
مراعات آن از برای صحت نماز و واو اشاره است بوقت نماز یعنی که در وقت اراده نماز کر
دن مراعات کند داخل شدن وقت را بر وجه علم در زمانی که ابر نباشد و هوا صاف
باشد و در زمانی که ابر باشد بمظنه نیز میتوان عمل کند و سین اشاره است بساتر عورت یعنی
که لازم است که در وقت نماز کردن عورت خود را بپوشد بساتر مباح که از اجزاء حیوانی
ساتر
که حرام گوشت است نباشد خواه کننده مرد باشد و خواه زن و از برای مرد لازم است که حریر نباشد

مگر در حین جنگ و جهاد و ضرورت و میم اشاره است بمکان نماز یعنی که مراعات کند مباح
بودن آنرا و غصبی مکان مباح کنند از برای آنکه نماز صحیح نبود اشاره واجبات اسلام مستفاد
میشود از قول ه و علا زیرا که واو اشاره است بو صوت و لکایکه ضاد اشاره عالم و عینی اشاره است
بعمل و دال اشاره است بمعاد و نون اشاره است بنبوت و الف اشاره است بامامت
اشاره موجبات وضوء یعنی چیزهائی که باعث وضوء میشود مستفاد میگردد از قول ه نبح مجس
زیرا که عین اشاره است بغایط و با اشاره است ببول ۲ و میم اشاره است بمزیل عقل
یعنی چیزهائی که عقل را زائل میکند چون شراب که مست کند یا چیزی دیگر که باعث بیهوشی شود
و حا اشاره است بحیض و در حکم اوست نفاس و استحاضه و سین اشاره است بمس میت
که سرد شده باشد و غسل صحیح تمام او را نداده باشند و نون اشاره است بنوم یعنی خوابی که
بسبب آن از گوش صداها را نشنود و به چشم چیزها را نه بیند و مراد این است که بول و غایط
و باد و مزیل عقل و حیض و نفاس و استحاضه و مس میت و خواب باعث وجوب وضوء میشود
بعد از دخول وقت نماز و کخوان اشاره و جم گو ۲ یعنی شستن روی و دو دست و نون اشاره است به
نیت یعنی قصد تقرب بخدا و میم اشاره است بمسح سر و پشت پاها و طا اشاره است
بطهارت یعنی پاک بودن آب وضوء و محل آن که روی و دو دست و پشت پاها

[illegible]

اهم چینی

۲

و اهم چیزی پاک کننده بودن آب وضوء نیز ضرور است و واو اشاره است بموالاة
یعنی که لازم است پی در پی بودن شستن روی و دو دست و مسح سر و پاها بطریقی که پیش
از خشک شدن عضو سابق شروع در دیگران نماید و راء اشاره است بمباشرت بنفسه
یعنی باید در حال اختیار خود متوجه وضوء شود و دیگران را وضوء ندهد مگر در حال اضطرار
و حا اشاره است بمباح بودن آب وضوء و مکان آب و وضوء و ما ننه اینها و جیم اشاره
است بجاری ساختن آب را بر اعضائی که بر آنها واجب است یعنی روی و دستها و با اشاره
است به ترتیب میان اعضاء یعنی اول باید بشوید روی را و بعد از این دست راست
را و بعد از این دست چپ را و بعد از این مسح بکند پیش روی سر را و بعد از این پای راست را
و بعد از این پای چپ را اشاره موجبات غسل یعنی چیزهائی است که باعث واجب شدن
غسل میشود از قول ه حباج مس اشاره است بانها زیرا که جیم اشاره است بجنابت خواه
بانزال باشد خواه بدخال و نون اشاره است بنفاس و الف اشاره است باستحاضه
متوسطه و کثیره و حا اشاره است بحیض و میم اشاره است بموت یعنی مردن انسانی
که مسلمان باشد و سین اشاره است بمس میت یعنی دست گردن بمیتی که سرد شده باشد
و او را غسل صحیح تمام نداده باشند اشاره غسل های جمعه اشاره است بواجبات

غسل زیرا که غین آن اشاره است بغسل اعضاء یعنی شستن سر و گردن و جانب راست و چپ و سین
اشاره است بارتماس در غسل ارتماسی یعنی فرو رفتن در میان آب و لام اشاره است بتخلیل
یعنی رسانیدن آب را در میان آن چیزی که بدون تخلیل آب باو نمی‌رسد چون موی ریش و بای
اشاره است بترتیب میان اعضاء در غسل ترتیبی یعنی شستن سر و گردن اول مرتبه و بعد از آن
شستن جانب راست و بعد از این شستن جانب چپ و دال اشاره است بدوام حال طهارت
در حال غسل بسبب محافظت کردن خود را از واقع ساختن حدث چون بول و غایط و باد
و نون اشاره است بنیت یعنی قصد تقرب بخدا و حاء اشاره است بمباح بودن استعمال
آب و مکان او در غسل بسبب طاهر بودن یعنی پاک بودن و مطهر بودن یعنی پاک کننده بودن
و غصبی و ملکم غصبی نبودن و موجب ضرر نبودن و هم چنین باعث قضا شدن نماز نبودن و مباح بودن
آب غسل و مقرر کنی آب و ظرف آن و جیم اشاره است بجریان آب و روان شدن آن بر عضوها
هر چیز باعث وقت باشد و راء اشاره است بمباشرت بنفسه چنانکه گذشت اشارة ضرب
طهم وزای راغب اشاره است بواجبات تیمم زیرا که ضاد اشاره است بضرب بر زمین یعنی
زدن هر دو دست را بر زمین و خاک و راء اشاره است بمباشرت بنفسه چنانکه گذشت و بای
اشاره است باباحه تراب و مکان یعنی مباح بودن خاک و مکان تیمم و طاء اشاره است

بطهارت

بطهارت یعنی پاک بودن خاک و محل تیمم و میم اشاره است بمسح پیشانی و جبین و پشت
کف دست راست و چپ و واو اشاره است بموالات یعنی پی در پی بجا آوردن آنچه واجب
است از دست بر زمین زدن و مسح کشیدن پیشانی و پشت دستها و زاء اشاره است به
زوال مانع یعنی برطرف شدن آن چیزی که مانع است از رسیدن به زمین با جبین چون انگشتر
و نون اشاره است بنیت یعنی قصد تقرب بخدا و واو اشاره است بوضوء و الف اشاره
است ببدل یعنی در تیمم بدل از وضوء یک مرتبه دست بر خاک زدن لازم است و غین اشا
ره است بغسل و با اشاره است بدو یعنی در تیمم بدل از غسل دو مرتبه دست زدن بر خاک
لازم است اشارة نقرس سما اشاره است بمقارنات نماز زیرا که نون آن اشا
ره است به نیت یعنی قصد تقرب بخدا و قصد ادا و قضا و واجب و مستحب و مانند اینها و قاف
اشاره است به تکبیرة الاحرام یعنی الله اکبر گفتن بعد از نیت و فاء اشاره است بقرائت
یعنی خواندن حمد و سوره و در حکم اینها است خواندن تسبیحات اربع در رکعت اول و هم چنین
ثالث اشاره به قیام متصل برکوع و راء اشاره است برکوع یعنی و سین اشاره است
بسجود و شین اشاره است به تشهد و میم اشاره است بسلام اشارة قصد اشاره
بواجبات نیت زیرا که قاف اشاره است بقصد قربت و مقارنت تکبیرة الاحرام

و عینی اشاره است به تعیین نماز که ظهر است یا عصر مثلا ادا است یا قضا واجب است یا
مستحب و راء اشاره است باستمرار حکم نیت مخالف نیت اول چون ریا نکنند اشاره
کبر عقول اشاره است بواجبات تکبیرة الاحرام زیرا که کاف اشاره است بگفتن الله اکبر
و باء اشاره است بترتیب میان الله و اکبر و راء اشاره است باستقرار یعنی برقرار بودن
و راه نرفتن و عینی اشاره است باستماع یعنی شنوانیدن خود را و قاف اشاره است بقیام
یعنی ایستادن و نشستن و واو اشاره است بموالات یعنی فصل نسازد میان کلمات و لام اشاره
است بمراعات منقول یعنی طریقی که نقل شده از پیغمبر باین طریق که عربی گفته شود نه ترجمه
آن و ادای حروف از مخرجهای او بشود و همزه الله را بیندازد و چیزی دراز نکند اشاره
حس جامع اشاره است بواجبات قرائت زیرا که حاء اشاره است بحمد و حکم حمد که
تسبیحات اربع است در غیر دو رکعت اول و سین اشاره است بسوره و جیم اشاره است
بجهر یعنی بلند خواندن قرائت در نماز صبح و در رکعت اول شام و خفتن و الف اشاره است
به اخفات یعنی آهسته خواندن قرائت را در غیر مواضع مذکوره حتی در تسبیحات اربع الا
خیال البسمله و میم اشاره است بموالات و مراعات نظم میان کلمات و عینی
اشاره است بعربیت باین طریق که ترجمه آن را نخواند و ادای حروف از مخارج نماید

بنظر عالی رسید

ونیز انکه

و نیز اشاره است بمعین کردن سوره یا در حکم آن اشاره ربت صلد اشاره است بواجبات
قیام زیرا که راء اشاره است به استقرار یعنی برقرار بودن و راه نرفتن و باء اشاره است
بقربت یعنی نزدیک بودن با او و صاد اشاره است بنصب یعنی راست کردن و نداء
پشت باین طریق که خم نباشد و لام اشاره است باستقلال یعنی تکیه بچیزی نکند در حال
اختیار اشاره ضرطوا اشاره است بواجبات رکوع زیرا که ضاد اشاره است بانحناء
یعنی خم شدن بقدری که بتواند کف دست را با انگشتان را بر زانو برساند و ذال اشاره
است بذکر رکوع که سبحان ربی العظیم و بحمده یک مرتبه و سبحان الله سه مرتبه در حال اختیار
است و راء اشاره است برفع راس یعنی سر برداشتن از رکوع و طاء اشاره است بطمأ
نینه یعنی آرام گرفتن در حال ذکر و بعد از سر برداشتن و واو اشاره است بموالات
یعنی پی در پی گفتن کلمات ذکر بر وجهی که فصل عرفی واقع نشود و عینی اشاره است بعربیت
ذکر و اسماع یعنی شنوانیدن ذکر را بخود اشاره سقط آر وضع اشاره است بواجبات سجود
زیرا که سین اشاره است بمساوی بودن محل ایستادن و محل سجده یا در حکم آن باین طریق
که بیشتر از چهار انگشت تفاوت نداشته باشد و قاف اشاره است بقرار دادن اعضاء
باین طریق که محل آنها حرکت نکند و طاء اشاره است بطمأنینه یعنی آرام گرفتن در حال

ذکر و بعد از سر برداشتن و دال اشاره است به ذکر سجود که آن سبحان ربی الاعلی و بحمده و تکبیر به
باسم ان الله که مرتبه در حال اختیار با تکبیر به در حال اضطرار است و راء اشاره است به رفع
راس یعنی سر برداشتن از سجود و دو واو اشاره است به موالات یعنی پی در پی کلمات ذکر را
بگوید بطوری که گذشت و ضاد اشاره است به وضع یعنی گذاشتن اعضاء هفتگانه را
که پیشانی و دو کف دست و سر دو انگشت بزرگ پاها و دو زانو را بر موضعی که برقرار باشد
و موضع پیشانی باید بر زمین باشد یا چیزی باشد که از زمین روییده [illegible] و آن را غالب اد
فات در حال اختیار نمی‌خورند و نمی‌پوشند و عین اشاره است به عربیت یعنی ذکر سجود
و شنوانیدن آن را بخود و اشاره جز شعب و حس اشاره است بواجبات تشهد
زیرا که جیم اشاره است بجلوس یعنی نشستن بقدر تشهد و دال اشاره است باستقرار یعنی
حرکت کردن نگردانیدن و راه ترفیعی و شین اشاره است بشهادتین یعنی گفتن اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و عین اشاره است بعربیت
ان و شنوانیدن آن را بخود و با اشاره است بترتیب باین طریق که اول شهادت اول را
بگوید و دویم شهادت دویم را و هم چنین مبادا این کلمات ترتیب دهی که ذکر شد مراعات
مراعات ترتیب تا بر [illegible] واو اشاره است بموالات یعنی پی در پی گفتن کلمات [illegible]

هفتم

٥

وصل عرفی و صاد اشاره است بصلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او و لام اشاره است بمراعات
مقول باین طریق که تغییر ندهد الفاظی را که از شارع بما رسیده است اشاره جبریل اشاره است
بواجبات سلام زیرا که جیم اشاره است بجلوس یعنی نشستن بقدر سلام و راء اشاره است
باستقرار بان معنی که گذشت و سین اشاره است بسلام دادن و گفتن السلام علینا و علی
عباد الله الصالحین یا السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و لام اشاره است بمراعات مقول
باین معنی که تغییر ندهد لفظهائی را که ذکر شده است و میم اشاره است بموالات یعنی پی در پی
گفتن کلمات سلام را اشاره مبطلات اشاره است بجمله واقع در نماز زیرا که میم اشاره است
بمنافیات نماز و سین اشاره است بسهو و کاف اشاره است بشک اشاره بشکوک
مدفع لا اشاره است بحکم شک در افعال غیر رکعات زیرا که شین اشاره است بشک
و فاء اشاره است بفعل نماز غیر رکعتهای آن چون قرائت و رکوع و سجود و تشهد و قاف
اشاره است بقبل از داخل شدن در فعل دیگر از افعال نماز و عین اشاره است باعتبار
شک و دال اشاره است بعدم اعاده آن جزء که شک دارد و کرده است یعنی داخل شدن
در جزء دیگر و شین شفع اشاره است بشک و فاء اشاره است بفعل نماز و عین اشاره
است با بعد از داخل شدن در فعل دیگر و لا اشاره است بلا اعتبار یعنی اعتباری نیست

شدن

شکی در فعلی از افعال نماز بعد از داخل [شدن] در فعلی دیگر اگرچه غیر رکنی باشد اشاره [illegible]
نغمر اشاره است بسوی شک در رکعات نماز که باعث بطلان نماز است زیرا که [illegible]
اشاره است بشک و الام اشاره است بر رکعات نماز و طا اشاره است ببطلان نماز یعنی
شک در رکعات که مبطل نماز است و الف اشاره است بیک و کاف اشاره است
بالکثر یعنی یک و بیشتر و با اشاره است بدو و راء اشاره است بالکثر یعنی دو و بیشتر و لام اشاره
است بقبل و یا اشاره است بسجده ثانی و تا اشاره است بثنائی یعنی نماز دو رکعتی چون نماز

ولون

صبح و غین اشاره است بمغرب و الم اشاره است بر رکعات یعنی شکی که باعث باطل
شدن نماز است پنج قسم است اول شک میان یک و بیشتر است دویم شک میان دو و
بیشتر است که پیش از اکمال سجده ثانی باشد سیم شک در نماز دو رکعتی است چهارم شک
در نماز مغرب است پنجم شک در عددهای رکعتهای نماز است اشاره [illegible]
[illegible] اشاره است بشکی که در عدد رکعات واقع میشود و باعث
بر نماز احتیاط و مانند آن است زیرا که [illegible] اشاره است بشک و [illegible] اشاره است
بر رکعات و [illegible] اشاره است باحتیاط اشاره [illegible] اشاره
است بواجبات روزه زیرا که الف اشاره است باکل که عبارت است از خوردن

ماکولات

ماکولات خواه عادی باشد و خواه غیر عادی و میم اشاره است باخراج منی باستمنا کردن و [illegible]
اشاره است به فرو کردن سر در آب بتمام برای دکاف اشاره است بکذب در روغ بستن
بر خدا و رسول یا ائمه اطهار و غین اشاره است بغبار غلیظ که بحلق برسد و دال اشاره است
بر دخان که عبارت است از دود غلیظ باین طریق که اثر بحلق برساند بر وجه اختیار [illegible]
[illegible] او در حکم اوست یعنی غلیظ و حا اشاره است بحقنه بمایع که عبارت است از
اماله کردن که مستور است میان مردمان و قاف اشاره است بقی کردن باختیار و واو
اشاره است بوطی کردن خواه در پیش باشد و خواه در پس هرچند انزال نشود و جیم اشاره
است بجنابت که باقی باشد در شب با علم بان و قدرت بر غسل کردن هرچند سبب [illegible]
کردن باشد و با اشاره است بشرب یعنی آشامیدن آب و دوانیدن آن از چیزهای که
روان شود چون سرکه و آب غوره و امثال اینها هرچند عادی نباشد [illegible]
اشاره ذل نق دق عق اشاره است بنصاب زکوة طلا و نقره زکوة زیرا که ذال اشاره
است بذهب یعنی طلا و کاف اشاره است به بیست دینار که عبارت از مثقال شرعی
طلا که بمقدار هیجده نخود است و نون اشاره است بنصف و قاف اشاره است بمثقال
یعنی زکوة بیست مثقال شرعی طلا نصف مثقال شرعی طلاست و این نصاب اول است و

و دال اشاره است بچهار و قاف اشاره است بمثقال شرعی و عینی اشاره است بعشر که ده
یک است و فال اشاره است بمثقال شرعی یعنی زکوة چهار مثقال شرعی طلا که بعد از بیست
مثقال باشد عشر مثقال شرعی است که ده یک اوست و این نصاب دوم است
و بهمین منوال است هر چه زیاد شود پس در هر چهار مثقال یک عشر مثقال زکوة لازم است اشاره
قرهم شاشاره است بنصاب زکوة نقره و قدر زکوة آن زیرا که قاف اشاره است بنقره
یعنی نقره و را اشاره است به دویست درهم که هر درهم عبارت است از دوازده نخود و
نیم و یک عشر نخود از نقره و هاء اشاره است به پنج و دال اشاره است بدرهم یعنی زکوة
دویست درهم که بحساب ریال در ممالک عبارت است از پنجاه و دو ریال و نیم که نصاب
اول است پنج درهم است که عبارت است از دو مثقال صیرفی الا ثلث نخود و میم اشاره است
بچهل درهم که ده ریال و نیم است و دال اشاره است به درهم که مقدارش مذکور شد
یعنی زکوة ده ریال و نیم که نصاب دوم است یک درهم است و بر همین منوال است
هر قدر که زیاد شود اشاره بنصاب اول شادثم قش فی الغنم اشاره است بنصاب زکوة
گوسفند و قدر آن زیرا که میم اشاره است بچهل و شین اشاره به شاة یعنی گوسفند یعنی زکوة چهل
گوسفند یک گوسفند است و قاف اشاره است به بیست و قاف بصد و الف به یک

7

و با اشاره بر یعنی زکوة صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند است و را اشاره است به دویست
و الف به یک و جیم به سه یعنی زکوة دویست و یک گوسفند سه گوسفند است و شین اشاره
است بسیصد و الف به یک و دال بچهار یعنی زکوة سیصد و یک گوسفند است و قاف اشاره است
بسیصد و شین بشاة یعنی گوسفند بعد از این از برای هر صد
گوسفند یک گوسفند زکوة باید داد والله اعلم
تمام شد

بازبین شد
۱۳۷۱ش